

فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش

شماره ۱۴ و ۱۵، تابستان و پاییز ۱۳۹۲، ویژه فلسفه و کلام

کیفیت حیات برزخی و ارتباط آن با دنیا از دیدگاه فلاسفه و متکلمین

تاریخ دریافت: ۹۳/۱/۳۰ تاریخ تأیید: ۹۳/۳/۶

مریم شیخ‌الاسلامی*

چکیده: پرونده انسان با مرگ به طور کلی بسته نمی‌شود و چنین نیست که بین دنیا و آخرت، جدایی کامل، حکم‌فرما باشد. لذا آثاری که انسان بعد از خود بر جای گذاشته و تأثیر اعمال دیگران در سرنوشت برزخیان از جمله دعای مسلمین و طلب استغفار تأثیری در تغییر وضعیت ارواح، خواهد داشت. طبق دیدگاه فلاسفه، عالم برزخ، عالمی مثالی است که زمان و مکان ندارد ولی دارای صور است و لذا روح بعد از مفارقت از این بدن خاکی دیگر از هرگونه ماده‌ای مجرد است و بدن برزخی او فقط صورت و شکل دارد نه جرم و ماده. و بنابر دیدگاه صدرا، بدن برزخی، برآمده از قوه‌ی خیال است. در مورد اختلاف احوال مردم در عالم برزخ، متکلمین قائل به وجود ارواح مومنین و کفار و مستضعفین بوده و معتقدند که ارواح مومنان در وادی‌السلام و ارواح کفار در وادی برهوت به سر می‌برند و مستضعفین نه در زمره مومنان و نه در زمره کفارند. در رابطه با مکان قبر و برزخ نیز بین متکلمین اختلاف نظر وجود دارد. برخی امکان قبر را همین قبر خاکی می‌دانند ولی عده‌ای معتقدند که منظور از مکان قبر همان عالم برزخ است که فشار قبر بر همین بدن اصلی است و گروهی آنرا با زبان اعمال و رفتار خود انسان می‌دانند و برخی معتقدند فشار قبر، وارد بر روح در قالب جسم مثالی است. متکلمین با استفاده از روایات به تأیید ارتباط بین ارواح با عالم برزخ می‌پردازند و بیان می‌کنند که ملاقات اموات با خانواده و خویشان خود و تأثیر افعال ما بر سرنوشت برزخیان و همچنین استفاده اموات از آثار ماندگار خود در دنیا از جمله امور قطعی است که دلایل روایی آن را تأیید می‌کنند. فلاسفه نیز به بیان ارتباط بین عوالم و وجود رابطهی علی و معلولی بین عوالم پرداخته‌اند. واژگان کلیدی: برزخ، قبر، موت، عالم مثال، بدن برزخی.

* کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

مقدمه

عالمان اسلامی سالهاست که بر روی مفاهیم و متون دینی، تحقیق و بررسی انجام می‌دهند که به فهم عمیق‌تری از علوم و معارف دست یابند و معارف عصر زمانی را به زبان همان روزگار برای مردم بیان کنند. بسیاری از علمای اسلام معتقدند که مفاهیم دینی از چنان عمق و ژرفایی برخوردار است که هنوز بشر نمی‌تواند ادعا کند که بر آن احاطه‌ی کامل دارد به ویژه در بحث‌هایی که از دایره‌ی تجربه بشر خارج است. لذا متکلمین با تکیه بر احادیث و تلاش و کار مداوم بر روی مضامین آیات و روایات کوشیده‌اند که حقایق عالم برزخ را از صاحبان آن دریافت کرده و برای مردم بیان کنند. فلاسفه نیز سعی کرده‌اند که همین مطالب را از راه عقل اثبات کنند و به بیان مطالبی عمیق‌تر بپردازند چرا که با گذشت زمان و کامل‌تر شدن عقول، بازبینی متون وحیانی و تفکر و تعقل بر روی آنها ضرورتی دوباره می‌یابد. از این‌رو ما برای شناخت برزخ و کیفیت آن از کلمات این دو گروه از علما استفاده می‌کنیم و می‌کوشیم که با استفاده از آیات و روایات و با استعانت از سخنان متکلمین و فلاسفه، دریابیم که بعد از مرگ چه اتفاقاتی رخ خواهد داد.

توجه به مسأله حیات برزخی برای هدایت مردم و دستیابی آنها به کمال و سعادت، امری ضروری است و شناخت صحیح کیفیت حیات برزخی و اعتقاد به آن، نقش مهمی را در زندگی و برخوردهای انسان ایفا می‌کند. چرا که همه باید این مسیر را طی کنیم و در طول زندگی محدود دنیا، خود را آماده مراحل بعدی کنیم. بنابراین زندگی در برزخ که پس از مرگ، سر راه انسان قرار دارد یک حقیقت اجتناب‌ناپذیر است و مسیر انسان در عالم برزخ همان مسیری است که در دنیا انتخاب کرده است. از همین روست که فیلم‌سازان به موضوعات ماوراءالطبیعه

روی آورده و سعی در به تصویر کشیدن برزخ دارند. لذا بر محققان اسلامی لازم است با تحلیل و کیفیت حیات برزخی، زمینه شناخت بیشتر جامعه‌ی اسلامی را فراهم کنند.

هدف از این تحقیق، بررسی و تشریح احوال و اتفاقاتی است که پس از مرگ بر روح انسان رخ می‌دهد که شامل بیان ویژگی ابدان برزخی و کیفیت ثواب و عقاب در عالم برزخ است.

برزخ در اصطلاح

علمای اسلام فاصله مرگ تا قیامت را عالم برزخ می‌گویند و در اصطلاح به عالمی که میان دنیا و آخرت قرار گرفته است، برزخ گفته می‌شود. عالم برزخ به عالم قبر هم یاد می‌شود چرا که جایگاه انسان در این مدت در قبر است. علامه طباطبایی از مرحوم فیض کاشانی نقل می‌کند که در تعریف عالم برزخ می‌فرماید:

«عالم برزخ حالتی است بین مرگ و برانگیخته شدن و آن مدتی است که این بدن دنیایی از بین می‌رود یعنی مدت زمان قبر» (علامه طباطبایی ۱۴۱۷، ج ۱۵، ص ۶۸)

معنای اصطلاحی قبر

بین محققین اسلامی در معنای قبر اختلاف نظر وجود دارد. برخی متکلمان کلمه‌ی قبر را به همین حفره‌ی خاکی تفسیر کرده‌اند (ابن قیم جوزیه، ۱۹۹۶، ص ۱۱۲) و برخی دیگر همچون علامه مجلسی، فیض کاشانی، آیت الله سبحانی و... معتقدند مراد از قبر این حفره‌ی تنگ و تاریک نیست بلکه منظور، جایگاه روح در عالم برزخ است.

علامه مجلسی می‌گوید:

«مراد از قبر که در اکثر اخبار آمده است جایگاه روح در برزخ است» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۲۷۰)

مرحوم محمدتقی فلسفی نیز منظور از قبر را جایگاه روح متوفی در عالم برزخ می‌داند (فلسفی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۲۶۱) و آیت الله سبحانی در این زمینه می‌گوید:

مراد از قبر در آیات و روایات، قبر مادی که انسان در آن دفن می‌شود نیست، بلکه مراد عالم دیگری است که انسان بعد از مردن و قبل از قیامت در آن زندگی می‌کند و به کنایه به آن قبر می‌گویند. (سبحانی، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۲۳۸)

فلاسفه نیز معتقدند که مراد از قبر که انسانها بعد از قبض روح در آن جا وارد می‌شوند همین قبر خاکی و ملموس نیست بلکه مراد عالم برزخ است علامه طباطبایی در این زمینه می‌گوید:

«مراد از برزخ، عالم قبر است که عالم مثال باشد و مردم در آن عالم که بعد از مرگ است زندگی می‌کنند تا قیامت برسد.» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۵، ص ۶۸)

صدرالمتألهین نیز مراد از قبر را همان عالم برزخ و جایگاه نفس انسانی بعد از مرگ می‌داند. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۲، ص ۲۷۵-۲۷۶، ۳۲۲-۳۲۳)

عمومی بودن برزخ

برخی از بزرگان، مانند مرحوم فیض کاشانی (فیض کاشانی، ۱۴۲۵، ص ۲۹۵)، علامه طباطبایی (رخ‌شاد، ۱۳۸۱، ص ۱۵۷)، سید عبدالله شبر (شبر، ۱۴۲۴، ص ۳۹۲) و مرحوم امام

خمینی بر این عقیده‌اند که برزخ برای همه وجود دارد اگرچه مدت آن برای همه یکسان نیست. امام خمینی در تقریرات فلسفه در این مورد می‌فرماید:

برزخ برای همه است و اهل برزخ وجود برزخی دارند. لذا بهشت سعاد، بهشت برزخی و جهنم اشقیاء، دوزخ برزخی خواهد بود و عالم برزخ هم یک مرحله قهری از مراتب وجود است. و برای همه قهری است منتها کسانی که در این عالم، مطالب عقلانی و فضایل کسب کرده‌اند، راه برزخی‌شان کوتاه است و زود به عالم مجرد عقلانی می‌رسند. (خمینی، بی‌تا، ج ۳، ص ۷۳)

برخی هم مانند شیخ مفید معتقدند که متوسطین بین ایمان و کفر، هنگامی که جسم‌شان فاسد شد، نفس آنها معدوم می‌شود و لذا چیزی را احساس نمی‌کنند تا هنگامی که برانگیخته شوند. (شیخ مفید، ۱۴۱۴، ص ۸۹) از روایاتی که از معصومین وارد می‌شود نیز می‌توان استفاده کرد که عالم برزخ، همگانی است و این چنین نیست که به گروه خاصی، اختصاص داشته باشد. زیرا این روایات عمومیت دارند و عالم برزخ را به افراد خاصی اختصاص نداده‌اند به عنوان نمونه، امام جعفر صادق علیه السلام در پاسخ سؤالی از عمرو بن یزید فرمودند:

اما در قیامت پس همه شما در بهشتید به واسطه شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله مطاع یا به شفاعت وصی پیامبر علیه السلام، ولیکن من از برزخ شما نگرانم و در هراس می‌باشم. عرض کردم برزخ چیست؟ فرمودند: «برزخ همان قبر است از وقتی که انسان می‌میرد تا زمانی که قیامت برپا شود. (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۲۶۷)

از مجموع کلمات ملاصدرا نیز می‌توان پی برد که ورود متوسطین به عالم برزخ، امری قطعی است و لذا برزخ امری همگانی است. (صدرالدین شیرازی ۱۳۸۰، ص ۳۲۶)

مثالی بودن عالم برزخ

ما در این قسمت ابتدا به بیان نظر متکلمین پرداخته و سپس نظرات فلاسفه و حکما را خواهیم آورد تا بررسی شود که آیا عالم مثال آنها، منطبق بر برزخ می‌شود یا خیر.

تا آنجا که بررسی‌ها نشان می‌دهد متکلمین هیچ‌گاه به صورت مستقیم وارد این بحث نشده‌اند که ماهیت عالم برزخ چیست و از چه جنسی است و این که آیا مجرد است یا دارای صورت بدون ماده و یا ترکیب ماده و صورت است. لذا متکلمین فقط از آثار و عوارض آن صحبت کرده و تقریباً تمامی متکلمین درباره‌ی زمانی بودن عالم برزخ اتفاق نظر دارند. (سبحانی ۱۳۸۶ ص ۲۳۱ - طهرانی ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۲۳۷ - سبحانی، ۱۳۷۶، ص ۷۵)

از جمله مباحث مهم در مورد برزخ در بین فلاسفه، این است که برخی از آن‌ها بر طبق مبانی فلسفی خود معتقدند که عالم بین ماده و عالم مجردات، عالمی واسطه است به نام عالم مثال که ادله‌ای بر وجود آن اقامه کرده و عرفاً نیز با استناد به مکاشفات خود به تأیید آن پرداختند.

آنها در توضیح عالم مثال، تصریح می‌کنند که این عالم، عالمی است بدون ماده. و لذا عاری از قوه و حرکت و مکان و زمان و تغییر و فساد می‌باشد و تفاوتش با عالم مجردات در وجود و شکل و ابعاد سه‌گانه در عالم مثال و عدم وجود صورت و ماده در عالم مجردات است که این معنا به وضوح در عبارات فلاسفه به چشم می‌خورد. (صدرالدین شیرازی، ۱۹۹۹، ج ۱، ص ۳۰۰ - مطهری، بی‌تا، ج ۵، صص ۱۵۹-۱۵۸)

علامه طباطبایی نیز مانند غالب فلاسفه پیرو مکتب صدرا قائل به عالم مثال شده و آن را ثابت شده می‌داند و معتقد است عالم مثال، همچون برزخی است میان عقل مجرد و موجودات

مادی. بنابراین عالم مثال موجودی است که ماده نیست ولیکن بعضی لوازم ماده همچون مقدار، شکل و عرض فعلی را داراست. (طباطبایی، ۱۳۶۰، ص ۲۹)

ویژگی ابدان برزخی

طبق دیدگاه اکثر متکلمان، روح انسان بعد از اتمام زندگی دنیا به جسم لطیفی تعلق می‌گیرد که از بسیاری از عوارض جسمانی و مادی برکنار است.

علامه مجلسی می‌فرماید: «ارواح مردگان در برزخ به اجساد مثالی تعلق می‌گیرد و بدن برزخی مؤمن و کافر عین بدن دنیوی اوست و در همین بدن عذاب خواهد دید و یا متنعم خواهد بود.» (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۲۰۱)

سیدعبدالله شبر در این باره می‌گوید: «اخبار فراوانی از خاصه و عامه روایت شده مبنی بر آن که روح بعد از مفارقت از بدن، به جسم لطیفی مانند اجسام ملائکه و جن که شبیه بدن دنیوی اوست تعلق می‌گیرد و با آن زندگی کرده و سیر می‌کند.» (شبر، ۱۴۲۴، ص ۳۷۲)

شیخ مفید نیز معتقد است که خدا برای ایشان بدن‌هایی مانند بدن‌هایی که در دنیا دارند می‌آفریند... و این بدن‌ها غیر از بدن‌های ایشان است که در قبرها دیده می‌شود و به مرور زمان می‌پوسد و از بین می‌رود. (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۷۷)

مرحوم شیخ بهایی نیز بعد از بررسی آیات برزخ، نتیجه می‌گیرد که روح بعد از مفارقت از بدن به بدنی همگون با بدن عنصری خود تعلق می‌گیرد. همان طور که از امیرالمؤمنین علیه السلام رسیده است که ارواح در عالم برزخ، گروه گروه در شکل جسدهای خویش گرد هم آمده و به گفتگو می‌پردازند. (شیخ مفید، بی تا، ج ۴، ص ۲۶۶)

مرحوم اسماعیل طبرسی نیز معتقد است که ارواح در عالم برزخ به اجساد و قالب مثالیه یعنی به جسدی که مثل جسد دنیایی است تعلق می‌گیرند و تعلق به آن اجساد، مجرد خیال و توهم نیست بلکه عالم برزخ، عالم حقیقی است که از برای آن وجود واقعی نفس‌الامری است چون عالم دنیا و آخرت. (طبرسی بی تا، ص ۲۴۰)

مرحوم کلینی در فروع کافی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند:

«خداوند هر گاه روح مؤمنی را قبض کند، روح او را در قالبی همگون قالب دنیوی او قرار می‌دهد با آن می‌خورند و می‌آشامند و هر گاه کسی بر آنان وارد شود او را به همان صورتی که در دنیا داشته می‌شناسند.» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۲۴۵)

و در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام چنین آمده که ایشان در پاسخ کسی که پرسید ارواح مؤمنان بعد از مرگ کجا هستند، فرمودند:

«در بهشت به صورت هیأت جسد نمودار هستند.» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۲۴۴)

و در جای دیگری فرمودند:

«در بدن‌هایی مانند بدن‌های دنیوی.» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۲۴۴)

در کافی از ابی‌ولاد حناط نقل شده که به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «فدایت کردم! مردم چنین روایت می‌کنند که ارواح مؤمنین در چینهدان پرنده‌گان سبز رنگی است که در اطراف عرش الهی‌اند.» امام علیه السلام فرمود: «نه مؤمن، نزد خدا محترم‌تر از آن است که روحش را در چینهدان پرنده‌ای قرار دهد ولیکن آن را در بدنی همچون بدن‌های خودشان قرار می‌دهد، (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۲۴۳).

دیدگاه فلاسفه

همان طور که گفته شد همراهی نفس با بدن مثالی از جمله ویژگی‌های عالم برزخ است. که این مسأله از جمله اموری است که مورد توافق نقل و فلسفه است.

امام خمینی می‌فرماید:

در بعضی اخبار که فرموده‌اند: «ارواح در عالم قبر به صورت ابدان هستند.» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۲۴۴) این بدن همان بدنی است که گفتیم «جسم الطف، است و از تبدیل بدن دنیوی فراهم آمده و به حرکت جوهریه موجود شده است. (خمینی، ۱۳۷۸، ص ۱۷۲)

تکامل در برزخ

مقصود از تکامل برزخی، این است که انسان‌ها در برزخ با توجه به سنت‌های نیک و بدی که انجام داده‌اند و باقیات و صالحاتی که بر جای گذاشته‌اند یا اعمال بدی که مرتکب شده‌اند، ثواب‌ها یا عقوبت‌هایی را متحمل می‌شوند و لذا تغییر وضعیت پیدا می‌کنند و آیات و روایات بسیاری دلالت دارند بر آن که، گاه انسان به واسطه سنت‌های حسنه‌ای که از خود در دنیا به جای می‌گذارد و خیراتی که بعد از مرگش در برزخ به او می‌رسد، وضعیت او در برزخ دگرگون می‌شود و این دگرگونی، همان تکامل است و لذا دگرگونی احوال انسان در برزخ چه در مسیر انحطاط و چه در مسیر ارتقاء بیانگر آن است که غایت حرکت نفس در دنیا تحقق نمی‌یابد و حرکت برای نفس همچنان در برزخ باقی است.

توصیه‌هایی که در دین اسلام مبنی بر احسان به مردگان، تقاضای رحمت و مغفرت برای آنان، خواندن قرآن و فاتحه برای مردگان و... وجود دارد، همگی از جمله دلایل تکامل نفس است.

در این قسمت سعی بر آن است که ابتدا ادله نقلی تکامل برزخی ذکر شود.

مرحوم صدوق از حضرت صادق علیه السلام آورده است:

«در این روایت اشاره شده است که فرزند صالحی که برای انسان دعا کند قرآنی که از انسان به جای بماند، چاه آبی که برای استفاده دیگران حفر شود و درختی که کاشته شود و دیگران از سایه یا میوه آن استفاده کنند و آبی که برای استفاده مردم جاری شود و سنت نیکویی که انسان از خود به جای بگذارد و پس از او به آن عمل شود، شش عملی هستند که از مؤمن به یادگار می‌مانند و او از ثواب آن بهره‌مند می‌شود.» (صدوق ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۱۱۷)

همان طور که از این روایت مشخص است ارواح اموات در عالم برزخ از اعمال گذشته‌ای که به عنوان باقیات الصالحات به یادگار گذاشته‌اند، بهره‌مند خواهند بود.

مرحوم شیخ حر عاملی در کتاب وسائل الشیعه به نقل از امام صادق علیه السلام آورده است:

«راوی حدیث گفت از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم: می‌توان از جانب مرده نماز بجا آورد؟ حضرت فرمود: بلی، حتی گاهی میت در تنگنا می‌باشد و خداوند او را در وسعت قرار می‌دهد (به خاطر این عمل)» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۶۵۵).

و نیز در همان کتاب به نقل از امام صادق علیه السلام آورده است: «حضرت فرمود: همان گونه که زنده‌ها از هدیه‌ای که برای آن‌ها می‌برند خوشحال می‌شوند، اموات نیز از طلب رحمت و مغفرتی که برای آن‌ها می‌کنند خوشحال می‌شوند.» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۶۵۵)

مرحوم مجلسی به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آورده است: «هیچ میتی نیست که در نزد او سوره یس خوانده بشود مگر آنکه خداوند امور او را راحت می‌گرداند.» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۹۲، ص ۲۹۲)

از مجموع احادیث مذکور استفاده می‌شود که فایده خیرات برای اموات، راحتی بیشتر آن‌ها در عالم برزخ و تکامل و دگرگونی آن‌ها را در بر دارد.

پیامبر ﷺ فرمود:

«همانا کودکان شیعیان ما از مؤمنان را حضرت فاطمه (س) تربیت می‌کند.» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۹۲، ص ۲۲۹)

و در ضمن روایتی از امام در مورد معراج پیامبر اسلام ﷺ آمده: رسول خدا ﷺ در شب معراج، عبور می‌کرد دید پیرمردی در زیر درختی نشسته و کودکانی در اطراف او هستند، از جبرئیل پرسید: این پیرمرد کیست؟

جبرئیل ﷺ فرمود: «این پیر، پدر تو ابراهیم خلیل ﷺ است.»

پیامبر ﷺ فرمود: «این کودکان کیانند؟»

فرمود: «این‌ها اطفال مؤمنان هستند که حضرت ابراهیم ﷺ به آن‌ها غذا می‌دهد.» (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۲۶۹ تا ۲۷۱)

و در روایتی از امام کاظم ﷺ آمده است که فرمود:

«اگر یکی از دوستان و شیعیان ما بمیرد و نتواند قرآن بخواند در برزخ به او می‌آموزند تا خداوند متعال در قیامت درجات او را بالا ببرد. درجات بهشت به مقدار آیات قرآن است به قاری قرآن می‌گویند بخوان و بالا برو و او می‌خواند و بالا می‌رود» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۶۰۶)

این حدیث شریف، به خوبی به تکامل برزخی اشاره دارد و به دلیل وجود چنین عباراتی از اولیای دین در زمینه تکامل نفس در عالم بعد از مرگ است که متکلمین و برخی فلاسفه به تکامل نفس در عالم پس از مرگ، اذعان دارند.

دیدگاه ملاصدرا در مورد تکامل برزخی نفس

طبق دیدگاه ملاصدرا، نفس تا زمانی که جسمانی است و با بدن معیت دارد، متحرک است. بنابراین ملاصدرا مرگ را پایان حرکت تدریجی نفس می‌داند و معتقد است که با مرگ تمام قوا و استعدادهای انسان به فعلیت می‌رسد و دیگر امکان انجام عمل برای او نیست. حال سوآلی که مطرح می‌شود این است که طبق مبنای ملاصدرا مبنی بر حرکت نفس در دنیا، چگونه می‌توان تکامل برزخی نفس را که برآمده از آموزه‌های وحیانی و قرآنی است توجیه کرد.

در پاسخ می‌توان گفت با آن که عباراتی از ملاصدرا در کتب او دیده می‌شود که حاکی از اتمام حرکت نفس بعد از مرگ بدن را دارد، ولی عباراتی هم در آثار او وجود دارد که بیانگر پذیرش حرکت نفس بعد از مرگ بدن است. (ابن سینا، ۱۴۰۴، ص ۴۳۰ - طباطبایی، ۱۳۸۰، ص ۲۳۹، - موسوی خمینی، ۱۳۶۸، صص ۱۷۱-۱۷۰، - صدر الدین شیرازی ۱۳۸۴، ص ۱۸۳، - صدر الدین شیرازی، ۱۹۸۱ ج ۳، ص ۸۴، - صدر الدین شیرازی، ۱۳۸۴، ص ۱۸۵، - آشتیانی، ۱۳۷۹، ص ۲۳۶)

نکته آخر آنکه طبق دیدگاه فلاسفه، نفوسی که در دو قوه‌ی نظری و عملی به حد کمال رسیده باشند به طوری که قوه‌ای نداشته باشند که به فعلیت تبدیل کنند، بعد از مفارقت از بدن

به عالم عقول می‌پیوندند و آنها همان کاملین در علم و عمل‌اند که آنان را جنت ذات و مقام «عندیت» است.

برزخ و ارتباط آن با دنیا

طبق اعتقاد متکلمان از مجموع آیات روایات استفاده می‌شود که بین حیات برزخی و انسان در عالم برزخ با حیات مادی و انسان‌های زنده ارتباط برقرار است. به این معنا که هنگامی که در عالم مادی، انسان‌ها آن‌ها را صدا می‌زنند، می‌شنوند و هنگامی که از آنان سؤال و درخواست می‌کنند به اذن خداوند متعال پاسخ می‌دهند. (رضوانی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۲۸۱)

آیت الله اشتهاردی در این باره می‌فرماید: «به طور کلی از مجموع، چنین استفاده می‌شود که ارواح انسان‌ها بعد از مرگ به طور کلی از این عالم بیگانه نمی‌شوند، بلکه از وضع این جهان، کم و بیش آگاهند.» (محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۳، ص ۱۲۸)

آیت الله طهرانی نیز در کتاب معادشناسی خود، بر این باور است که موارد زیادی در روایات وجود دارد که بر مشاهده و تکلم زندگان با اموات، دلالت می‌کند. ایشان معتقد است:

در بسیاری از روایات از تکلم با افرادی بعد از مرگشان سخن به میان می‌آید، چه خود ائمه اطهار آنان را دیده و با آنها سخن گفته‌اند و چه به دیگران نیز نمایانده‌اند و چه افراد دیگری احیاناً با مردگانی سخن گفته و آن‌ها را مشاهده نموده‌اند، تمام این تکلم‌ها راجع به عالم مثال و عالم برزخ بوده و برخورد و ملاقات در مکاشفات صوریه و مثالیه صورت گرفته است. (حسینی طهرانی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۳۱۱)

آیت الله سبحانی نیز این نوع ارتباط را قبول داشته و می‌فرماید:

پس از اثبات حیات برزخی برای انسان‌ها، نوبت به وجود رابطه میان این جهان و جهان برزخ می‌رسد و این که برزخیان، سخنان ما را می‌شنوند و میان ما و آنها ارتباط برقرار است. اصل وجود رابطه میان این جهان و جهان برزخ، از اهمیت والایی برخوردار است؛ زیرا ممکن است تصور شود که بین این دو نوع زندگی، حائل استوار و فاصله‌ی بسیار وجود دارد که مانع مشاهده و استماع سخنان یکدیگر می‌شود. در اثبات این اصل از تجربیات غربیان درباره‌ی ارواح صرف نظر می‌کنیم چه ممکن است برخی از آن آزمون‌ها قابل اعتماد نباشد. لذا فقط مسأله را از دریچه وحی و روایات رسول خاتم صلی الله علیه و آله بررسی می‌کنیم. (سبحانی ۱۳۸۷، ص ۱۳۴-۱۳۱)

آیات قرآنی از وجود رابطه بین ما و کسانی که در جهان برزخ به سر می‌برند، پرده برمی‌دارند که در اینجا برخی از این آیات را مطرح می‌کنیم.

حبه عرنی که از یاران مخصوص امام علی علیه السلام بود می‌گوید: من در حضور امام علی علیه السلام در کوفه بودم با آن حضرت به پشت کوفه رهسپار شدیم، و آن حضرت در وادی السلام توقف کرد. دیدم آن حضرت در حالی است که گویا با اقوامی ارتباط برقرار نموده است و با آنها گفتگو می‌کند. من به پیروی از او ایستاده بودم، تا این که خسته شدم و نشستم امام علی علیه السلام همچنان ایستاده بود (و با افرادی نامرئی گفتگو می‌کرد) برخاستم و ایستادم و روپوش خود را جمع کردم و عرض کردم: «ای امیرمؤمنان! دل‌م به حال شما که آن قدر ایستادن شما به طول کشید، می‌سوزد آخر ساعتی استراحت کنید.» سپس ردای خود را به روی زمین پهن کردم تا آن حضرت بر روی آن بنشیند. امام علی علیه السلام فرمود: «یا حبه ان هو إلا محادثه مومن او مؤانسته»؛ «ای حبه این ایستادن طولانی نبود مگر به خاطر گفتگو با مؤمنی و انس با او». عرض کردم: «آیا مردگان نیز گفتگو و انس دارند؟»

فرمود: «آری، اگر پرده از جلو چشم تو برداشته شود، آنها را می‌بینی که حلقه حلقه نشسته و با همدیگر گفتگو می‌کنند.» (کلینی ۱۳۶۲ ج ۳، ص ۲۴۳)

با توجه به صراحتی که در آیات و روایات وجود دارد، معلوم می‌شود که بین حیات برزخی انسان و دنیای زندگان، ارتباط تنگاتنگی برقرار است و ارواح سخن زنده‌ها را می‌شنوند و معنای آن را درک می‌کنند.

ملاقات اموات با خانواده و خویشان خود

متکلمان در مورد ارتباط ارواح با زنده‌ها به احادیث بسیاری از ائمه معصومین استناد نموده‌اند. در این روایات به خوبی بیان شده که ارواح مؤمنین، طبق مقام و مرتبه‌ی بلندی که نزد خدا دارند به ملاقات اهل و خویشان خویش رفته و از مشاهده‌ی اعمال نیک آنها خوشنود می‌شوند و خداوند اعمال ناپسند آنها را می‌پوشاند تا موجبات ناراحتی ارواح مؤمنین فراهم نشود.

و هر کس مقامش بالاتر باشد اجازه و اختیار او بیشتر است. گناه‌کاران نیز طبق موقعیت خود در عالم برزخ به دیدار خویشان خود رفته و خداوند در این ملاقات‌های عملی را که موجب نگرانی میت است به او نشان می‌دهد و حسرت و نگرانی او افزوده می‌گردد. (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۲۹۴ و ص ۲۲۰ و ص ۲۵۷-، کلینی، ۱۳۶۲ ج ۳، ص ۲۳۰)

کیفیت ارتباط

امام کاظم علیه السلام در پاسخ به این سؤال که ارواح اموات در چه صورتی برای دیدار اهل خود می‌روند فرمودند:

به صورت پرنده لطیفی که خود را به روی دیوارها می‌اندازد، بر دیوارهای آن‌ها می‌نشیند و بر آن‌ها اشراف می‌یابد. پس اگر آن‌ها را در خیر و خوبی مشاهده کند، خوشحال می‌شود و اگر آن‌ها را در بدی و حاجت‌مندی بنگرد اندوهگین و غمناک می‌گردد (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۲۳۰).

احضار ارواح

یکی از مسائل مربوط به ارتباط زنده‌ها با عالم ارواح، بحث احضار روح است که یکی از رایج‌ترین شیوه‌های آن جلسات احضار روح است.

آیت الله سبحانی می‌گوید:

ارتباط با ارواح به این گونه صورت می‌پذیرد که شخصی با نگاه‌های نافذ و تلقینات مؤثر خود و دریافت پاسخ‌های خاصی از ناحیه‌ی خواب رونده شخصی را در خواب عمیق مصنوعی فرو می‌برد، خواب او چنان عمیق می‌گردد که بسان چوب خشک در گوشه‌ای می‌افتد و دیگر از نیش سوزن و مانند آن متأذی نمی‌شود، در عین حال، روح و روان او از اختیار شخصی که او را خواب کرده است خارج نمی‌شود، بلکه به فرمان او با ارواح تماس گرفته و از طریق زبان ارواح سخن می‌گوید و به سؤالات خواب‌کننده پاسخ می‌دهد (سبحانی ۱۳۷۳، ص ۱۰۶).

دیدگاه فلاسفه درباره ارتباط عوالم

علامه طباطبایی در بیان رابطه‌ی بین عوالم، معتقد است که رابطه‌ی آنها علی و معلولی است به این صورت که عالم عقلی، معلول بلاواسطه حق تعالی و علت امکانی عالم مثال است و عالم مثال، معلول عالم عقل و علت امکانی عالم عقل است که البته این سخن با توجه به در نظر گرفتن جنبه‌ی امکانی آنهاست. ولی با توجه به جنبه وجودی که جنبه‌ی حقیقی است خدا

علت حقیقی وجود همه اشیاست و علتی جز ذات وجوبی نیست. (طباطبایی، ۱۳۸۰، مرحله‌ی ۱۲، فصل ۹ و ۱۷)

اشتمال مرتبه‌ی بالا بر کمالات مرتبه‌ی پایین

به فرموده‌ی امام خمینی:

مرتبه‌ی برزخیه، تمام قوا و کمالات و حیثیات وجودیه‌ای که مرتبه‌ی طبیعی دارد، به انضمام برخی اضافات را نیز واجد است و همچنین مرتبه‌ی عقلانی تمام کمالات و حیثیات وجودیه‌ای که مرتبه‌ی برزخی دارد به انضمام برخی زیادات کمالیه دیگر را داراست. بنابراین هر گونه کمال وجودی که در مرتبه‌ی پایین‌تر باشد، در مرتبه‌ی بالاتر هم هست و مرتبه‌ی بالا جامع و واجد مراتب پایین‌تر است؛ زیرا هر چه مرتبه و نشئه رو به افق مجرد داشته باشد، جامعیت‌اش بیشتر خواهد بود. (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ص ۱۷۸ و ۱۷۶)

در ادامه، امام این مطلب را متذکر می‌شوند که مرتبه‌ی بالا برخی از خصوصیات مرتبه‌ی پایین را ندارد. زیرا اگر به ضعف و نقص مرتبه‌ی پایین‌تر توجه کنیم درمی‌یابیم که محال است که مرتبه‌ی بالاتر شامل آن حدود و نواقص باشد. بنابراین مرتبه برزخیه، حدود و نواقص مرتبه‌ی طبیعت را ندارد؛ زیرا برزخی بودن برزخ، به نبودن این حدود و نواقص است و نحوه‌ی وجود طبیعی با وجود برزخی مغایر است. (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ص ۱۷۶ و ۱۷۸)

نتیجه گیری

در نگرش فلاسفه و متکلمین، روح انسان از هنگام مرگ تا برپایی قیامت، در عالمی به نام عالم برزخ به سر می‌برد که با توجه به کیفیت اعمال و رفتاری که در زندگی دنیوی داشته با او برخورد خواهد شد تا زمانی که قیامت برپا شود. طبق دیدگاه فلاسفه، عالم برزخ، عالمی

مثالی است که عاری از قوه و حرکت و مکان و زمان و تغییر است و تفاوتش با عالم مجردات در وجود شکل و ابعاد سه گانه در عالم مثال و عدم وجود صورت و ماده در عالم مجردات است.

اما بررسی‌های متکلمین در باب ماهیت عالم برزخ در محدوده‌ی سخن از عوارض و آثار آن عالم است و معتقدند حقیقت حیات برزخی، امر مجهولی است که هرگز نمی‌توان به همه حقایق و ویژگی‌های برزخیان پی برد بلکه از طریق آیات و روایات است که می‌توان برخی از معارفی را که عقل از رسیدن به آنها قاصر است، بدست آورد.

هم در دیدگاه فلاسفه و هم در دیدگاه متکلمین از ابدان برزخی سخن به میان آمده است و هر دو بر این عقیده‌اند که انسان در آن عالم، دارای بدنی خواهد بود که از یک سو مناسب با عقیده و اخلاق و اعمال دنیوی اوست و از سوی دیگر مناسب با عالم برزخ است. لذا ارواح در عالم برزخ به صورت ابدان هستند که این بدن، از تبدیل بدن دنیوی مزاحم آمده است.

یکی دیگر از مباحث مطرح شده، مبحث تکامل نفس در عالم برزخ است. زیرا از جمله آموزه‌های شریعت مقدس اسلام مبحث تکامل نفس در عالم برزخ است و حرکت جوهری انسان بعد از مرگ، همچنان ادامه دارد. بنابراین انسان در عالم برزخ با توجه به سنت‌های نیک و بدی که انجام داده است و باقیات صالحاتی که بر جای نهاده و یا اعمال بدی که مرتکب شده، تغییر وضعیت می‌یابد و این تغییر وضعیت بیانگر حرکت نفس در عالم برزخ است. ادله‌ی نقلی از جمله وجود آیات و روایات در باب دعا و صدقه و نذر و تکامل نفوس ناقصه، موید این امر می‌باشد.

ملاصدرا نیز در برخی از موارد به گونه‌ای سخن گفته که گویی، حرکت نفس در عالم برزخ را پذیرفته است و در مواردی دیگر، عباراتی را آورده که بیانگر عدم پذیرش تکامل

برزخی در دیدگاه است و چه بسا وضوح این گونه موارد بیشتر از شواهد پذیرش تکامل برزخی است.

مسأله‌ی دیگر وجود لذت و الم برزخی است که طبق دیدگاه فلاسفه و متکلمین، حیات انسان در عالم برزخ با توجه به رسوخ صفات و ملکات نیک و زشت در نفس است و لذا افرادی که در دنیا به امور حیوانی توجه دارند در برزخ، بهره‌ای از لذت‌های معنوی نداشته و برای خود، عذاب‌های برزخی فراهم کرده‌اند و طبق مبنای صدرایی، قوه‌ی خیال با متلاشی شدن بدن، متلاشی نمی‌شود و با ورود انسان به عالم برزخ، مننعم بودن یا معذب بودن او را فراهم می‌کند.

منابع

۱. آشتیانی، جلال الدین، شرح بر زاد المسافر ملاصدرا، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۹.
۲. ابن بابویه صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، چاپ دوم، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳، ج ۱.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، شیخ صدوق، امالی صدوق، چاپ ششم، تهران، انتشارات کتابچی، ۱۳۷۶.
۴. ابن سینا، حسین بن عبدالله، الشفاء - الالهیات، قم، مکتبۀ آیۀ الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴.
۵. اسرار الآیات، صدرالدین شیرازی، تحقیق سید محمد موسوی، تهران، حکمت، ۱۳۸۴.
۶. توسیر کانی، محمد نبی بن احمد، لثالی الاخبار، قم، چاپخانه محمدیه، ۱۳۷۲، ج ۴.
۷. جوزیه، ابن قیم، «الروح»، بیروت، دارالفکر العربی، ۱۹۹۶.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن شیخ، وسائل الشیعه، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹، ج ۲.
۹. حسینی طهرانی، سید محمدحسین، معادشناسی، چاپ اول، مشهد، انتشارات نور، ۱۴۲۳، ج ۲.
۱۰. حسینی طهرانی، محمد حسین، معادشناسی، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۶۱، ج ۲.
۱۱. رخ شاد، محمد حسین، در محضر علامه طباطبایی، قم، انتشارات ال علی، ۱۳۸۱.
۱۲. رضوانی، علی اصغر، شیعه‌شناسی و پاسخ به شبهات، چاپ دوم، تهران، نشر مشعر، ۱۳۸۴، ج ۲.
۱۳. سبحانی، جعفر، «معاد انسان و جهان».
۱۴. سبحانی، جعفر، الالهیات، قم، مرکز العالمی للدراسات الاسلامیة، ۱۴۱۲، ج ۴.
۱۵. سبحانی، جعفر، راهنمای حقیقت، چاپ پنجم، تهران، نشر مشعر، ۱۳۸۷.
۱۶. سبحانی، عفر، الحیة البرزخیه، قم، موسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۷۶.
۱۷. شبر، سید عبدالله، حق الیقین فی معرفۀ اصول الدین، چاپ دوم، قم، انورالمهدی، ۱۴۲۴.
۱۸. شیخ مفید، محمد بن محمد، تصحیح اعتقادات الامامیه.
۱۹. شیخ مفید، محمد بن محمد، اوائل المقالات، چاپ اول، قم، الموتر العالمی للشیخ المفید، ۱۴۱۳.
۲۰. شیرازی، صدرالدین، اسفار الاربعه، ج ۱، ص ۳۰۰، مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۵.
۲۱. شیرازی، صدرالدین، تفسیر القرآن الکریم، ج ۵.
۲۲. صدر الدین شیرازی، الاسفار الاربعه، ج ۳.
۲۳. صدرالدین شیرازی، اسرار الآیات.
۲۴. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، المبدأ و المعاد، چاپ سوم، قم، نشر دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۳۲۶.
۲۵. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه، با حواشی ملا هادی سبزواری تصحیح سید جلال الدین آشتیانی، چاپ اول، انتشارات مطبوعات دینی، ۱۳۸۲.
۲۶. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ج ۱۵.

۲۷. طباطبایی، محمد حسین، نه‌ایة الحکمه، چاپ اول، قم، موسسه امام خمینی، ۱۳۸۰.
۲۸. طباطبایی، محمدحسین، حیات پس از مرگ، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۶۰.
۲۹. طبرسی، اسماعیل، کفایة الموحدین، قم، انتشارات علمیه، بی تا.
۳۰. طبرسی، سید اسماعیل، کفایه الموحدین.
۳۱. طیب، سید عبدالحسین، کلم الطیب در تقریر عقاید اسلام.
۳۲. فلسفی، محمد تقی، معاد از نظر روح و جسم، تهران، هیات نشر معارف اسلامی، ۱۳۶۰ ج ۱.
۳۳. فیض کاشانی، ملا محسن، انوار الحکمه، چاپ اول، قم، انتشارات بیدار، ۱۴۲۵.
۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چاپ دوم، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲، ج ۳.
۳۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴، ج ۶ و ۹۲.
۳۶. محمد بن محمد باقر شیخ مفید، تصحیح اعتقادات الامامیه، ص ۹۸.
۳۷. محمدی اشتهاردی، محمد، عالم برزخ در چند قدمی ما.
۳۸. موسوی خمینی، روح الله، تعلیقات علی شرح فصوص الحکم، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸.
۳۹. موسوی خمینی، روح الله، تقریرات فلسفه، قم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی تا، ج ۳.
۴۰. موسوی خمینی، روح الله، معاد از دیدگاه امام خمینی، چاپ دوم، تهران، نشر آثار امام، ۱۳۷۸.

